

## تولد و نسب

علامه طباطبائی در آخر ذیحجه ۱۳۲۱ ق مصادف با ۱۲۸۱ ش در تبریز به دنیا آمد. اجداد پدری علامه طباطبائی از فرزندان امام حسن مجتبی (ع) و ابراهیم بن اسماعیل دیباج و تا ۱۴ پشت او همگی دانشمند و عالم بودند. نیاکان مادری وی نیز از سادات حسینی بودند. [نیازمند منبع] سید محمدحسین، در ۵ سالگی، مادر، و در ۹ سالگی پدرش را از دست داد. برادر کوچکتر او سید محمدحسن، معروف به سید محمدحسن الهی، است. که استاد فلسفه در تبریز بوده است.

## ازدواج و فرزندان

همسر علامه، قمرالسادات مهدوی، از خانواده سادات طباطبائی بود سه فرزند اولی علامه و قمرالسادات در کودکی و در نجف از دنیا رفتند. فرزند بعدی آنها، پسری بود که طباطبائی، به سفارش استادش قاضی طباطبائی، اسم او را عبدالباقی گذاشت. سید عبدالباقی طباطبائی دارای تحصیلات فنی بود و در حوزه ریاضیات و هندسه از علامه طباطبائی بهره برده بود.

نجمه سادات طباطبائی، فرزند دیگر او و قمرالسادات مهدوی است. همسر او شهید علی قدوسی، از شاگردان علامه طباطبائی بود. جواد مناقبی داماد دیگر علامه طباطبائی بود.

## دوران تحصیل و تدریس

سید محمد حسین به مدت شش سال (۱۲۹۰ تا ۱۲۹۶ ش) پس از آموزش قرآن که در روش درسی آن روزها قبل از هر چیز تدریس می‌شد، آثاری چون گلستان، بوستان و ... را فراگرفت. سپس وارد مدرسه طالبیه تبریز شد و به فراگیری ادبیات عرب و علوم نقلی و فقه و اصول پرداخت

و از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۴ هـ ش مشغول فراگیری دانش‌های مختلف اسلامی گردید. علاوه بر این، زیر نظر میرزا علینقی خطاط به یادگیری فنون خوشنویسی پرداخت و در تعلیم خط به مقام استادی رسید.

علامه طباطبایی بعد از تحصیل در مدرسه طالبیه تبریز، همراه برادرش به نجف رفت و از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۴ ش به تحصیل علوم دینی پرداخت. در ۱۳۱۴ ش به تبریز برگشت و تا ۱۳۲۵ که در آنجا ساکن بود، به کشاورزی مشغول شد و در کنار کار کشاورزی به تألیف و تحقیق می‌پرداخت علامه در ۱۳۲۵ ش به قم رفت و تا پایان عمر، آنجا ماند و مشغول تدریس، تحقیق و تألیف شد.

#### درگذشت

وی یکشنبه ۲۴ آبان ۱۳۶۰ ش (۱۸ محرم ۱۴۰۲ ق) از دنیا رفت. جنازه‌اش، فردای آن روز از مسجد امام حسن عسکری تا حرم حضرت معصومه تشییع شد. آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی بر پیکرش نماز خواند و در حرم حضرت معصومه به خاک سپرده شد.

#### زندگی علمی

#### در نجف

علامه طباطبائی پس از اتمام اولین مراحل علمی در تبریز، در سال ۱۳۰۴ ش/۱۳۴۴ ق راهی نجف شد و ۱۰ سال در حوزه علمیه نجف به تکمیل معلومات خود در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی

پرداخت. فقه و اصول را نزد نایینی، کمپانی و سید ابوالحسن اصفهانی، فلسفه را نزد سید حسین بادکوبه‌ای که خود از شاگردان جلوه و آقاعلی مدرس بود، ریاضیات را نزد آقا سید ابوالقاسم خوانساری، و اخلاق و عرفان را از سید علی قاضی طباطبایی آموخت.

#### در تبریز

علامه طباطبایی در مدتی که در نجف مشغول تحصیل بود به علت تنگی معیشت و نرسیدن مقرری که از ملک زراعی‌اش در تبریز بدست می‌آمد، مجبور به بازگشت به ایران شد و ۱۰ سال در روستای شادآباد تبریز به زراعت و کشاورزی مشغول شد. در این دوره فعالیت علمی از قبیل تحصیل یا تدریس از او گزارش نشده است ولی تعدادی از کتاب‌ها و رساله‌های علامه حاصل تفکرات این دوره است.

#### در قم

#### علامه طباطبایی (دوران قم)

شهرت علامه طباطبایی در تهران و حوزه‌های دیگر علمی ایران، هنگامی آغاز شد که در اثر حوادث سیاسی جنگ دوم جهانی و عواقب بعد از آن از تبریز به قم مهاجرت کرد. او از سال ۱۳۲۵ش در قم ساکن شد و مجالس درس خود را در تفسیر و حکمت آغاز کرد. او به تدریج، تدریس سطوح اساسی حکمت مانند کتاب شفاء و اسفار را متداول ساخت. در کنار این دروس، علامه به تربیت شاگردانی در حوزه اخلاق و عرفان اسلامی نیز توجه داشت. حسن حسن‌زاده آملی، عبدالله جوادی آملی، عزیزالله خوشوقت و علی سعادت‌پرور و... از این دسته شاگردان او هستند.

## جلسات علمی تهران

در دوران سکونت در قم یکی از فعالیت‌های علامه طباطبایی شرکت در جلساتی علمی و فلسفی در تهران بود. این جلسات با حضور هانری کربن، سید حسین نصر، داریوش شایگان و... با محوریت علامه طباطبایی درباره مسائل فلسفی، عرفانی، ادیان و اسلام‌شناسی برگزار می‌شد. او در سفرهای پیاپی به تهران داشت، با علاقه‌مندان به حکمت و معارف اسلامی تماس داشت و گاه با مخالفان دین و حکمت نیز به بحث می‌پرداخت. در برخی از این نشست‌ها موضوع بحث، تفسیر عرفان شرقی با محوریت اوپانیشادها و گات‌ها بوده است. مطالب این کتاب‌ها توسط داریوش شایگان به فارسی ترجمه می‌شد و سپس علامه طباطبایی درباره آن مطالب توضیح می‌داد.

جلسات بین او و کُربن به مدت ۲۰ سال (۱۳۷۸ تا ۱۳۹۹ق) هر پاییز با حضور جمعی از اهالی فلسفه تشکیل می‌شد که در آن مباحث اساسی دین و فلسفه و... مطرح می‌شد. به گفته دکتر سید حسین نصر چنین جلساتی در سطحی آن چنان بالا و با افقی آن چنان وسیع در جهان اسلام امروز بی‌نظیر بوده است و حتی می‌توان گفت که از دوره قرن وسطی که تماس فکری و معنوی اصیل بین اسلام و مسیحیت قطع شد، چنین تماسی بین شرق اسلامی و غرب حاصل نشده است.

اساتید

سید علی قاضی طباطبایی

سید ابوالحسن اصفهانی

سید حسین بادکوبه‌ای

سید ابوالقاسم خوانساری ریاضی

محمدحسین غروی اصفهانی

میرزا حسین نائینی

مرتضی طالقانی

حجت کوه کمره ای

شاگردان

سید عزالدین حسینی زنجانی

مرتضی مطهری

عبدالله جوادی آملی

یحیی انصاری شیرازی

محمد فاضل لنکرانی

حسینعلی منتظری

سید موسی شبیری زنجانی

محمدتقی مصباح یزدی

جعفر سبحانی

غلامحسین ابراهیمی دینانی

حسن حسن‌زاده آملی

سید محمد حسین حسینی تهرانی

ابراهیم امینی

سید جلال الدین آشتیانی

ناصر مکارم شیرازی

احمد احمدی

سید حسن طاهری خرم‌آبادی

علی قدوسی

محمد محمدی گیلانی

یحیی انصاری شیرازی

سید محمد حسینی بهشتی

محمد مفتاح

محمدجواد باهنر

سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

حسین نوری همدانی

ابوطالب تجلیل

سید موسی صدر

سید محمدباقر موحد ابطحی

سید محمدعلی موحد ابطحی

سید مهدی روحانی

علی احمدی میانجی

عباس ایزدی

محمد صادقی تهرانی

عزیزالله خوشوقت

علی سعادت پرور

آثار

از ایشان آثار علمی بسیار به جا مانده که قسمتی از آنها بدین قرار است:

تفسیر المیزان

اصول فلسفه و روش رئالیسم

شیعه در اسلام

سنن النبی (ص)

حاشیه بر اسفار صدرالدین شیرازی

بداية الحكمة

نهاية الحكمة

شیعه: مجموعه مذاکرات با پروفیسور کربن (بخش اول مذاکرات در سال ۱۳۳۸ش)

رسالت تشیع در دنیای امروز (بخش دوم مذاکرات با پروفیسور کربن در سال ۱۳۴۰ش)

حاشیه بر کفایه الاصول

رساله در حکومت اسلام

رساله در قوه و فعل

رساله در اثبات ذات

رساله در صفات

رساله در افعال

رساله در وسائط

الانسان قبل الدنيا

الانسان فی الدنيا

الانسان بعد الدنيا

رساله در نبوت

رساله در ولایت

رساله در مشتقات

رساله در برهان

رساله در مغالطه

رساله در تحلیل

رساله در ترکیب

رساله در اعتباریات

رساله در نبوت و منامات

منظومه در رسم خط نستعلیق

علی والفلسفة الالهیه (به فارسی ترجمه شده است)

قرآن در اسلام

مقالات متعددی که در نشریات گوناگون مانند مکتب تشیع و درس‌هایی از مکتب اسلام و راهنمای کتاب و... به انتشار رسیده است.

تفسیر المیزان

نوشتار اصلی: تفسیر المیزان

علامه طباطبایی از حدود سال ۱۳۳۳ش/۱۳۷۴ق نوشتن تفسیر المیزان را آغاز کرد و تا سال ۱۳۵۰ش/۱۳۹۲ق آن را در ۲۰ جلد به زبان عربی به اتمام رساند. در این تفسیر از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده شده است و علاوه بر تفسیر آیات و بحث‌های لغوی در بخش‌هایی جداگانه با

توجه به موضوع آیات مباحث روایی، تاریخی، کلامی، فلسفی، علمی و اجتماعی نیز دارد. [۲۶]  
ترجمه این اثر به دو شکل منتشر شده است. نخست در ۴۰ جلد و سپس در ۲۰ جلد. این اثر  
توسط سید محمدباقر موسوی همدانی به فارسی ترجمه شده است.